خواهشِ مرعوبِ قطره هایِ باران

(**کتابک پنجم** : **نه سال(۱۳۶۵-۱۳۵۷)** همیاری دوست یاب **در وزارت کشاورزی و عمران روستایی** با یاد دوستان از چشم رفته و در دل مانده: فتوت،شیوا ،بخشی،کریمی، پویادل،گرامی و اشکان)

مرقومه پنجم از مجموعه مکاشفه

سید ابراهیم ابطحی

استادیار دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف

عضو برجسته و هیات مدیره فعلی انجمن انفورماتیک ایران

عضو مادام العمر و فعلی هیات مدیره انجمن آموزش مهندسی ایران





عنوان به عاریت گرفته از : فریماه فرهت نیا

نگاره گر : ژیلبر گاریسین + پرویز شاپور

برای نشر در وبگاه انجمن انفورماتیک ایران

پیش گفتار

این کتابک یازدهمین کتابک از مجموعه سی و پنج کتابک الکترونیکی با دسترسی رایگان برای همگان خواهد بود که از بهار ۱۴۰۲ به تدریج برای جمع آوری ، تفکیک، نگارش و ویرایش و تولید آنها برنامه ریزی کرده ام تا در وبگاه انجمن انفورماتیک ایران به عنوان بخشی از سرمایه دیجیتال آن درج شود ، تا شاید علاوه بر انعکاس برخی فعالیت هایم در انجمن ، طی زمان پاسخگوی پرسش های پیشینه گرای برخی خوانندگان از طریق جستجو های عادی یا هوشمندانه باشد.

در بهار ۱۴۰۲ که دو کتابک ۱۳ ام و یکم از این مجموعه را به عنوان کتابک های الکترونیکی برای انتشار در وبگاه انجمن[1] تحویل دادم ، همکار، دوست عزیز و دانشمندم جناب دکتر محمد خلیلیان در صفحه اول وبگاه در عنوان خواندنی ها ، از سر بزرگواری با مبالغه ذیل تصویری ازمن برچسب مقابل را برای آن برگزید و درج کرد : کتابک‌های تجارب و یادداشت‌های استاد ابطحی



با تقه زدن (کلیک کردن) بر این عبارت و تصویر در صفحه دوم نوشته های زیر آشکار می شود :



[1] - https://isi.org.ir

که در ذیل عناوین فعلا عنوان ده جلد از این کتابکها برای دسترسی به نسخه پی.دی.اف آنها درج شده است.

این کتابک ها در چهار بسته با عناوین مکاشفه (حاوی ۱۲ کتابک) ، در خانه (حاوی ۸ کتابک)، برگ سبز (حاوی ده کتابک) و در وقت اضافی (حاوی ۳ کتابک) عرضه خواهد شد. در نوشته فوق بروی اَبَر عبارت کتابهای ارزشمند تقه بزنید ، فهرست کتابکها در دسترس شما قرار می گیرد.تاکنون در سه مرحله پیش نویس ۹ جلد از این کتابکها در وبگاه درج گردیده و موجود و در دسترس همگان است.کتابکهای یک و دو در بهار ۱۴۰۲ ، کتابکهای ۳ تا ۷ زمستان ۱۴۰۴ و کتابکهای ۸ و ۹ و ۱۰ در تابستان ۱۴۰۵.

هر کتابک علاوه بر جلد همسان ، حاوی پیشگفتار مشترک و مقدمه اختصاص و فهرست مطالب در ابتدا و فهرست همه کتابکها در انتهای کتاب است. مطالب اصلی کتاب بین فهرست مطالب و فهرست کتابکها درج شده است:



عناوین کتابکها از شعری از شاعری، به تناسب مضمون ،به عاریت گرفته شده است و بین بخش های هر کتابت نگره ای ،طرحی و یا یک نقاشی از نقاشی به نام ،درج شده و به این بهانه به عنوان ارزش افزوده فرهنگی در هر کتابک این دو در مقدمه کتابک به خواننده آن معرفی شده است.اسامی این دو هنرمند به رسم صداقت بر جلد کتابک نقش بسته است.

مقدمه

کتابکی که مطالعه می فرمائید یازدهمین کتابک منتشره از این مجموعه سی و پنج جلدی است. که در عین حال کتابک پنجم از بسته مکاشفه است. مطالب آن شامل یادآوری خاطرات ۹ ساله ام بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ در دوران خدمت در وزارت کشاورزی و عمران روستائی است. لازم به یادآوری است مطالب این کتابک بسط یافته ،بخشی است که در کتابک هشتم این مجموعه با عنوان به کوچکی خواب خرگوش از تجارب کاری خودم قبلا درج کرده ام.

شاعری که عنوان کتابک را از شعری از او به عاریت گرفته ام فریماه فرهت نیا است و هنرمندی که نمونه هایی از طرح ها و کاریکلماتورهای اورا بین صفحات این کتابک درج کرده ام زنده یاد پرویز شاپور است که در همین مقدمه به کوتاهی این دو هنرمند گرانقدر را به شما معرفی می کنم :



فریماه فرهت نیا ، متولد ۱۳۳۷ ، شاعر و گرافیست است.



عکس خانوادگی: پرویز شاپور، کامیار، فروغ فرخزاد

پرویز شاپور (۵ خرداد ۱۳۰۲ – ۱۵ مرداد ۱۳۷۸) نویسنده ایرانی بود. شهرت او به‌دلیل نگارش «کاریکلماتور»، نوشته‌های کوتاه (اغلب تک‌خطی)، است که سبکی شاعرانه و طنزآمیز دارند. او علاوه بر آفرینش «کاریکلماتور»، در طراحی سیاه‌قلم نیز فعالیت داشت. او فعالیتش را در دههی ۳۰ زندگی آغاز کرد و در ۴۶ سال بعدی آثار کم‌حجم ولی پرمحتوایی برجای گذاشت. آثارش در ۱۲ جلد منتشر شده‌اند.

تحصیلات شاپور در رشته اقتصاد بود و به استخدام وزارت دارایی درآمد .پرویز در سال ۱۳۲۹ با فروغ فرخزاد، نوه خاله مادرش که یازده سال از او کوچک‌تر بود، ازدواج کرد. آنها اهواز را برای زندگی مشترک انتخاب کردند. در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ پسرشان به نام کامیار متولد شد که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده، و شاپور نیز از «کامی» به عنوان نام مستعار وی استفاده می‌کرده‌است. کامیار شاپور ۲۵ تیر ۱۳۹۷ در سن ۶۶ سالگی درگذشت.

شاپور فعالیت روزنامه‌نگاری خود را در روزنامه‌های محلی خوزستان از زمانی آغاز کرد که در آنجا می‌زیست. از سال ۱۳۳۷ به بعد در مجله توفیق با اسم مستعار «کامی»، «کامیار» و «مهدخت» مطلب می‌نوشت. پس از آن در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو که در دهه ۴۰ شمسی چاپ می‌شد، به فعالیت پرداخت..

پس از جدایی از فروغ، شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با پسرش کامیار و برادرش خسرو شاپور در یک خانه قدیمی زندگی می‌کرد. وی در ۶ تیر ۱۳۷۸ در بیمارستان عیوض زاده تهران بستری شد و سرانجام در سن ۷۶ سالگی در ساعت ۶ صبح ۱۵ مرداد درگذشت

و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد..

کاریکلماتور کلمه‌ای ترکیب یافته از کاریکاتور و کلمات است که شاملو این نام را برای اولین بار بر برخی از نوشته‌های پرویز شاپور نهاد. تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود

نمونه‌هایی از کاریکلماتورهای پرویز شاپور

برای اینکه پشه‌ها بطورکامل ناامید نشوند، دستم را از پشه‌بند بیرون می‌گذارم .

اگر بخواهم پرنده را محبوس کنم، قفسی به بزرگی آسمان می‌سازم .

دلم به حال ماهی‌ها می‌سوزد چون هیچ‌کس اشکشان را نمی‌فهمد.

وقتی عکس گل محمدی در آب افتاد، ماهی‌ها صلوات فرستادند.

گربه بیش از دیگران در فکر آزادی پرندهی محبوس است.

به یاد ندارم نابینایی به من تنه زده باشد.

هر درخت پیر، صندلی جوانی می‌تواند باشد .

به عقیده گیوتین، سر آدم زیادی است .

روی همرفته زن و شوهر مهربانی هستند.

غم، کلکسیون خنده‌ام را به سرقت برد.

بلبل مرتاض، روی گل خاردار می‌نشیند .

قطرهی باران، اقیانوس کوچکی است .

قلبم پرجمعیت‌ترین شهر دنیاست .

به نگاهم خوش آمدی .

پایین آمدن درخت از گربه .

زندگی بدون آب از گلوی ماهی پایین نمی‌رود .

جارو، شکم خالی سطل زباله را پر می‌کند .

فواره و قوه جاذبه از سربه سر گذاشتن هم سیر نمی‌شوند .

باغبان وقتی دید باران قبول زحمت کرده، به آبپاش مرخصی داد .

فاصله بین دو باران را سکوت ناودان پر می‌کند .

فریاد زندگی در سکوت گورستان ته‌نشین می‌شود .

همه مردم جهان به یک زبان سکوت می‌کنند .

زبان هم فیلتر دارد .

آثار

کاریکلماتور - انتشارات نمونه - ۱۳۵۰

کاریکلماتور ۲ - انتشارات بامداد - ۱۳۵۴

کاریکلماتور ۳ با نام «با گردباد می‌رقصم» - انتشارات مروارید – ۱۳۵۴

کاریکلماتور ۴ - انتشارات مروارید - ۱۳۵۶

کاریکلماتور ۵ - انتشارات پرستش - ۱۳۶۶

کاریکلماتور ۶ - انتشارات مروارید - ۱۳۷۶

کاریکلماتور ۷ با نام «به نگاهم خوش آمدی» - انتشارات گل‌آقا - ۱۳۷۸

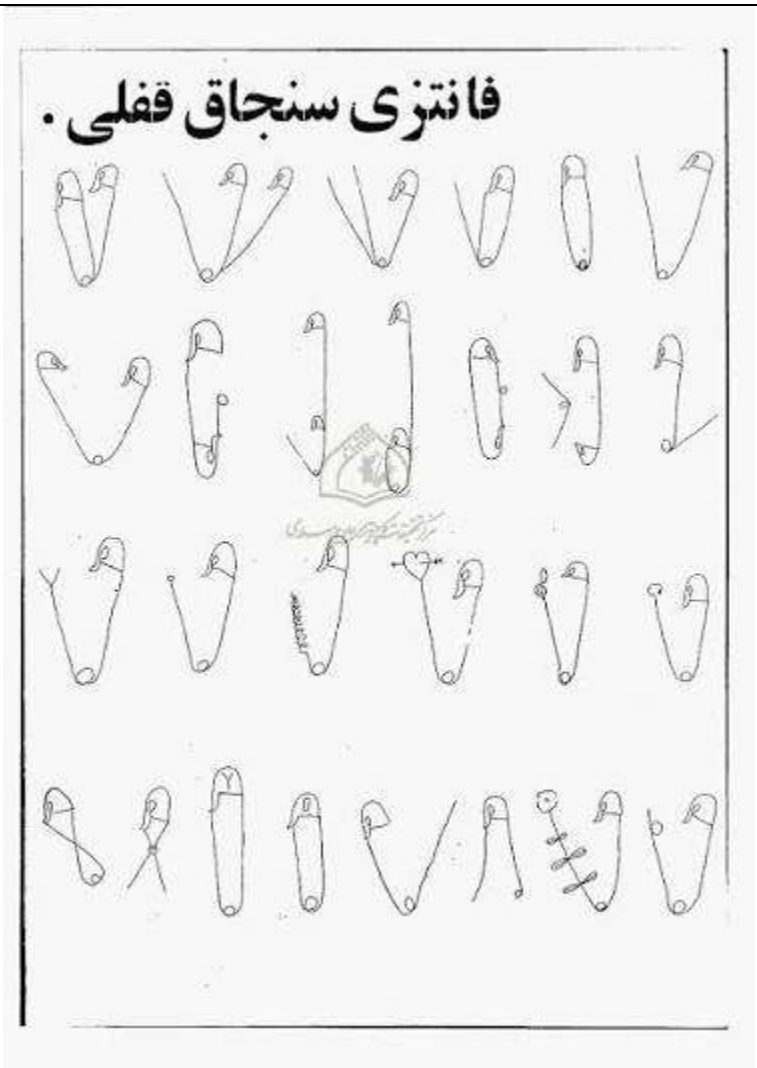
کاریکلماتور ۸ با نام «پایین آمدن درخت از گربه» - انتشارات مروارید - ۱۳۸۲

موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید - ۱۳۵۲

فانتزی سنجاق قفلی - انتشارات پویش - ۱۳۵۵

تفریحنامه (طرح‌های مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) - انتشارات مروارید - ۱۳۵۵

قلبم را با قلبت میزان می‌کنم (مجموعه کاریکلماتورها) - انتشارات مروارید –


فانتزی سنجاق قفلی .

ردیف	فهرست مطالب	صفحه
	اول آشنایمون : از طریق کارآموزی در شرکت ایمز (۱۳۵۴)	۱۰
	بازگشت به وزارت کشاورزی در سال ۱۳۵۷	۱۲
۱	چکیده ای ازحضور (۱۳۶۵-۱۳۵۷)	۱۳
۲	عکس العمل فردی غیر سیاسی- غیر انقلابی در قبال یک شور انقلابی شگرف (۱۳۵۸)	۱۶
۳	اولین کار موازی : پایان دهی تحصیل ونوشتن و دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد(۱۳۶۳-۱۳۵۸)	۱۸
۴	دومین کار موازی : انجام مقدمات یک پژوهش ۲۰ ساله در زمینه آموزش پیش دانشگاهی رایانه (۱۳۶۵-۱۳۶۴)	۲۰
۵	دوره یکم کارحرفه ای - شناسایی ، یادگیری ، آموزش ، تجربه آموزی ، انطباق و استقرار(۱۳۵۸-۱۳۵۷)	۲۱
۶	دوره دوم کارحرفه ای - برنامه ریزی آموزشی ، آموزش دهی و کمک به بلوغ نیروهای انسانی و ارتقای سرمایه های فکری(۱۳۵۹-۱۳۵۸)	۲۵
۷	دوره سوم کارحرفه ای - تلاش هایی برای افزایش کاراییِ بهره گیری از خدمات رایانه ای در اداره کل آمار و اطلاعات (۱۳۶۱-۱۳۶۰)	۲۶
۸	دوره چهارم کارحرفه ای - تلاش کم ثمر برای احیای جایگاه امکانات رایانه ای و انسانی آماده در ساختار دو رگه اداره آمار و اطلاعات (۱۳۶۳-۱۳۶۲)	۲۸
۹	پایاندهی : از مرخصی بدون حقوق ناپیوسته تا بازخرید (۱۳۶۵-۱۳۶۳)	۲۹
۱۰	پیشنهاد بورس دکتری وزارت کشاورزی - مهر تاییدی بر رابطه قدرشناسانه متقابل سرمایه های فکری و مدیران خردمند (۱۳۷۹)	۳۰
۱۱	سی سال حضور در حاشیه : از همکاری مشاوره ای پسا بازخریدی تا اجرای طرح برنامه ریزی معماری سازمانی وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۶-۱۳۶۶)	۳۱
۱۲	آموخته ها	۳۳
۱۳	دستاوردها و خرسندی ها	۳۴
۱۴	رنج ها و حسرت ها	۳۵

ده سال، تلاش پرثمر(یادگیری کار حرفه ای و یاددهی کار علمی و کمک به بلوغ توانائی جمعی) در وزارت کشاورزی



اول آشنایمون : از طریق کارآموزی در شرکت ایمز (۱۳۵۴) : در سال دوم تحصیل در دوره کارشناسی در مدرسه عالی برنامه ریزی و کاربرد کامپیوتر وقتی به اتفاق همکلاس از دبیرستان تا دانشگاه و دوست همیشگی ام ، جناب حسین غفاری گرکانی با معرفی استادمان در مدرسه عالی کامپیوتر : مهندس بهروز ارباب ، عازم شرکت ایمز به مدیریت دکتر بهرام مزینی شدیم هیچگاه فکر نمی کردم بعدها مجدد ، به این سازمان در محلی جدید برای یک همکاری چندین ساله برگردم. در این شرکت ،سامانه رایانه ای که برای اجرای ماهیانه به ما سپرده شد ، سامانه ای به زبان کوبول بود که برای مدیریت سوابق وام های بانک کشاورزی تهیه شده بود و ما برای اجرای آن به محل وقت مرکز کامپیوتر وزارت کشاوری در خیابان فلسطین (کاخ پیشین) کوچه چهارم حوالی پشت سینما افریقا (آتلانتیک آن زمان) که رایانه کوچک آی . بی.ام مدل سیستم ۳ داشت ، مراجعه می کردیم :



با جعبه هایی از داده ها و برنامه های پانچ شده روی کارت های پانچ و صورت اجرا و گزارشات برنامه که در آن به اسامی وام گیرندگان و مبالغ وام و میزان دریافت و بازپرداخت آن اشاره شده بود. از سر کنجکاوی گاه که به اسامی وام گیرندگان و مبلغ دریافتی و عدم بازپرداخت بعضی موارد تعجب می کردیم چرا که مبالغ هنگفت، گاه به افرادی که آن زمان وابستگان سلطنت گفته می شدند ، تعلق داشت. اظهار این موارد در مواردی با دعوت به سکوت لازم ، بر اساس مصالح از سوی برخی همکاران شرکت ، همراه بود. کار حدودا چند ماهه در این شرکت ، تجاربی از

شناخت محیط های شرکتی و سازمان های دولتی دارای رایانه ، برایمان حاصل کرد که بعد ها مفید واقع شد ، ضمن اینکه حق الزحمه دریافتی در حد کارورزی و کارآموزی به کمک هزینه دانشجویی به اضافه حق مسکن دانشجویان شهرستانی که ماهیانه حدود ۵۵۰ تومان می شد ، اضافه می شد و این درآمد شیرین بود. به لحاظ فنی مهارت کار با زبان برنامه نویسی کوبول بر روی رایانه ای متفاوت از آنچه آموزش دیده بودیم ، خودآموزی در این مورد را به ما یاد داد.این از طریق شناخت زبان کارتهای کنترل[۲] رایانه آی.بی.ام سیستم ۳ میسر شد.به اضافه کار با حضور مستقیم در اطاق رایانه و مستقیم با دستگاه های مختلف هم هیجان انگیز بود. زمانی که در کارآموزی به مرکز رایانه وزارت کشاورزی مراجعه می کردم هیچگاه فکر نمی کردم که سه سال بعد دوباره به این وزارت خانه برگردم و حدود ده سال در آن کار کنم.

بازگشت به وزارت کشاورزی در سال ۱۳۵۷ :





سالهای تلاشهای پرثمر(یادگیری کار حرفه ای ، یاددهی کار علمی)، حضور در بلوغی از توانائی جمعی با یافتن دوستانی بی بدیل



[2] -JCL : Job Control Lamguage

۱- چکیده ای ازحضور (۱۳۶۵-۱۳۵۷) :

من که از تیر ماه سال ۱۳۵۷ ابتدا قراردادی و سپس رسمی- برنامه سازِ سیستمِ[۳] وزارت کشاورزی بودم(تصویر ۱) پس از انجام



تصویر ۱- اولین قرارداد همکاری با وزارت کشاورزی

فعالیت هائی گسترده - که تفصیل آنرا در این روایت برایتان خواهم نوشت - از سال ۱۳۶۳ ، حدود دو سال به شکل ناپیوسته ، در مرخصی بی حقوق بودم و سپس به درخواست خودم، تقاضای باز خرید خدمت کردم . در بهمن ماه ۱۳۶۵ با شش سال و یکماه و هشت روز خدمت با دریافت حدود ۶۵۰۰۰ تومان ، خود را بازخرید کردم. به یاد دارید که پیش از این به کار کوتاه مدتی در شرکت ایمز در سال ۱۳۵۳ اشاره کردم که اجرای سامانه های رایانه ایش را در مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی (که در همان سال تاسیس شده بود) انجام می دادیم. این نقطه شروع آشنایی من با این وزارتخانه و مرکز خدمات ماشینی آن بود.آن موقع نمی توانستم تصور کنم که این وزارتخانه بعدها تا سال ها ، محل خدمت حرفه ای من با دنیایی خاطرات بیادماندنی خواهد شد و طی آن شاهد وقوع یک انقلاب ، سقوط یک رژیم حکومتی و برپائی دیگری خواهم بود. در همین دوران در شهریور سال ۱۳۵۶ به دوره کارشناسی ارشد علوم رایانه در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم. در زمانه پر تلاطمی که انقلابی را در پی داشت. در این دوره با هم رشته های خودم در دوره کارشناسی ارشد علوم رایانه در دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر این دانشگاه ، در کلاسهای درس آشنا شدم که سه تن از آنان - آقایان مجتبی رسولی ، احمد مرات نیا و فریبرز ارباب - از آن زمان تا کنون در زمره دوستان صمیمی من درآمدند و باقی ماندند. مهندس رسولی دانش آموخته رشته مهندسی کشاورزی بود[۴] که با ضریب هوشی بسیار بالا و توانمندی های خاص خود و سابقه حضورش در اداره خدمات ماشینی وزارت کشاورزی، در صدد ادامه تحصیل در این رشته برآمده و با آزمون پذیرفته شده بود . با شروع سال تحصیلی در دوره ارشد ما تازه واردان ، به دنبال کاری حرفه ای برای امرار معاش خود و خانواده بودیم . ایشان ما سه نفر[۵] را راهنمایی و حمایت کرد تا بر حسب نیاز طرفین به خدمت در مرکز خدمات

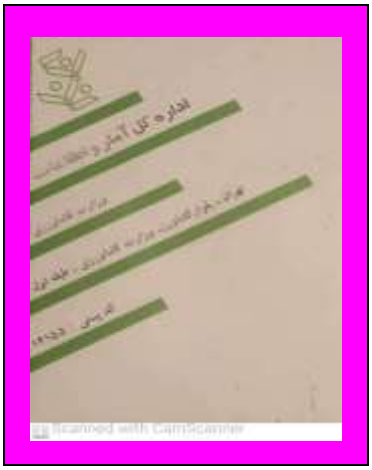
---

[3]- Systems Programmer

[۴]- و اکنون از مشاهیر و مدیران موفق در صنایع مرغداری ایران.

[۵]- من و احمد مرات نیا وفریبرز ارباب

ماشینی وزارت کشاورزی[۶] از طریق قرار داد کاری سمتِ شغلیِ برنامه سازی سیستم ملحق شویم.این قرارداد بعد از انقلاب منجر به استخدام رسمی ما در همین مرکز - که بعدها (در سال ۱۳۵۹) نامش به اداره کل آمار و اطلاعات تغییر کرد(تصویر ۲) – شد.



تصویر ۲- نام و نشانه جدید مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی

[۶]- در ساختمان نوساز و زیبای آن در بلوار الیزابت (کشاورز فعلی) تقاطع خیابان وصال (حجاب فعلی) که در ان زمان یکی از بزرگترین و مدرن ترین مراکز رایانه ای دولتی کشور بود.



۲- عکس العمل فردی غیر سیاسی- غیر انقلابی در قبال یک شور انقلابی شگرف (۱۳۵۸) :

در بیستم تیر ماه ۱۳۵۷ که من به شکل قرار دادی وارد وزارت کشاورزی شدم در هر دو محیط حضورم ، یعنی این وزارتخانه و دانشگاه صنعتی آریامهر (که پس از انقلاب به صنعتی شریف تغییر نام داد) طلیعه تحول خواهی شکل گرفته و رو به تزاید بود اما کمتر کسی حدس می زد که تنها ۸ ماه و ۲ روز تا انقلابی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ فاصله داریم. من که به لحاظ فردی و شاید نسبی (با توجه به اجداد کاشانی مادر پدرم) و زیستی (که به شکل ضمنی پس از فوت پدر در ۱۳۴۷ خود خواسته متقبل تامین بخشی از هزینه های خانواده بودم) عموما فردی محافظه کار ، و در عین حال نا متمایل به کار سیاسی که دانشی هم در آن نداشتم، بودم . البته بعدها که با شناخت تحلیلی ، متمایل به نگره های اخلاقی شدم. تقریبا همیشه فاصله ام را با سنخی از عقاید و رفتار سیاسی که آنرا اقتضایی می شمردم و در مقابل دیدگاه فضیلت گرا قرارمی دادم ، حفظ کردم. اما صادقانه کتمان نمی کنم که در سیل یک انقلاب اجتماعی ، که در مواردی همه ، در معرض جبهه گیری ناگزیر قرار می گیرند با توجه به تربیت در یک خانواده مذهبی مسلمان بویژه مرحوم پدرم که به شکل سنتی درگیر آیینیِ مذهبِ حاکم بر جامعه بود ، در من هم گرایش دینی که بعدها به خداباوری پایدار رسید ، باقی ماندکه تا حدودی در رفتارِ غیر مبارزه جویانه ام هم ، قابل رویت بود. حتی در دانشگاه در کَل کَل با دانشجویان هم کلاس و هم دوره در مرز مزاح و شوخی و حتی مسخره بازی با آنچه آن زمان گرایشات چپ تحلیل می شد، مرز بندی داشتم. همه اینها را گفتم که به دو فعالیت در این دوران که شور شگرف انقلابی، که به ویژه جوانانی در سنین من را (۲۲ سالگی) وادار به تحرک و فعالیت های خواسته و ناخواسته می کرد اشاره کنم .یکی، اقدام به دو فعالیت کشاورزی که در آن هیچ تخصصی نداشتم وتنها از انجام آن لذت برده و خرسندم و دیگری همفکری در دورانی کوتاه با مدیران جدیدی که بعدها ، رفتار گاه ناپسند ، ناپخته و از سر کم دانی شان حیثیت مخدوشی را برایشان فراهم کرد ، که برخی از همکاران من را به سرزنش ضمنی من هم ، بابت این تمایلِ کوتاه مدت کشاند که موجب آزردگی ام هم می شد. قبل از اشاره ای به این دو مورد ، برای ترسیم شرایطی که به انفعال فرصت نمی داد ، اشاره ای به یک واقعه ی کوچک کنم. در دوران انقلاب در زمان ازهاری که حکومت نظامی اعلام شده بود ، به رسم معمول ، گاهی اوقات به عنوان نظاره گر در جلسات گردهمایی اعتراضی کارمندان به شرایط ، که آن روزها مرسوم بود با دوستانم حاضر بودم که در مسیر خروج از جلسه توسط سربازان مسلح به پارکینگ وزارتخانه راهنمایی شدیم و متاسفانه دوستی از بین ما ، توسط آنان دستگیر و به بازداشتگاه برده شد که هفته ای بعد آزاد شد و من روزهای بدی را با نگرانی در مورد او ، که سابقه ی فعالیت سیاسی هم داشت ، گذراندم.

و اما آن دو اتقاق : اتفاق یکم اینکه در سال ۱۳۵۸ تحت تاثیر شور تحول خواهانه برپاشده در جامعه و جوانی (هر چند با نیت خیر کمک به جامعه و مردم) با همکارانی در وزارت کشاورزی که تنها با یکی از آنان سابقه هم تحصیل بودن در دوره کارشناسی داشتم در اوقات فراغت کاری ، مشغول کشاورزی در مهر شهر کرج و سپس نخود کاری در حصارک کرج(تصویر ۳) شدیم تا منافعش را صرف مدرسه سازی کنیم.

	ژیان معروف من که در کشاورزی خرمن جمع کن و برای سفر با دوستان هتل و در سیزده بدر ها محوطه بدون صندلی پشت سر راننده محل خورد و خوراک و بگو و بخند بود	
گندم کاری در مهرشهر		نخودکاری در حصارک

تصویر ۳- دو کار کشاورزی داوطلبانه با همراهی برخی دوستان همکار وزارت کشاورزی در شور انقلابی ۱۳۵۸

و اتفاق دوم در اولین دوره مدیریت مرکز کاری ما پس از انقلاب افتاد و آن منصوب شدن گروهی به مدیریت جدید مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی بود که بر حسب اتفاق (چون من از چند و چون آن انتصاب به هیچ عنوان مطلع نبوده و نیستم) تعداد قابل ملاحظه ای از آنان همان دوستان همکار من، در فعالیت پیشین کشاورزی های داوطلبانه بودند. من که هیچ گاه ، هیچ سمت مهندسی یا مدیریتی غیر فنی را در عمرم نداشته و نپذیرفتم ، بهبود طلبانه در موارد فنی مشورت هایی را که با من می شد - تا مدتی که در اعمال، هنوز صداقت می دیدم- پاسخ می دادم. البته برداشت برخی همکاران شاید این نبود، به ویژه در زمانی که اقدام به باز ساماندهی کارکنان کردند، شبهه نظر خواهی از من در این مورد را ، شنیدم.که واقعیت نداشت.

۳- اولین کار موازی : پایان دهی تحصیل ونوشتن و دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد(۱۳۶۳-۱۳۵۸) :

در مهرماه ۱۳۵۶ برای تحصیل در دوره کارشناسی ارشد علوم رایانه پذیرفته و مشغول به تحصیل شدم.پس از یک ترم اخذ درس قبل از وقوع انقلاب ، با حذف اجباری دو ترم تحصیلی و یک ترم مرخصی تحصیلی به علت اشتغالات کاری[۷] ، از پاییز ۵۸ طی دو ترم واحدهای درسی کارشناسی ارشد را به پایان رساندم. سپس به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ۹ واحدی برای انجام پژوهش و تولید "بازی رایانه ای تخته نرد هوشمند" که کاربردی از یکارگیری هوش مصنوعی در بازی های رایانه ای بود به راهنمایی و هدایت استاد ارجمندم دکتربهروز پرهامی از ترم پاییز ۵۹-۵۸ ثبت نام کرده و آماده شدم. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها از سال ۵۹ به پیشنهاد من و استقبال استاد راهنما، با هدف کمک به یافتن راه حلی برای یک مشکل اجتماعی فناورانه ، از طریق انجام یک پژوهش دانشگاهی، اقدام به تغییرداوطلبانه و توافقی عنوان و موضوع پایان نامه ارشد نمودیم.

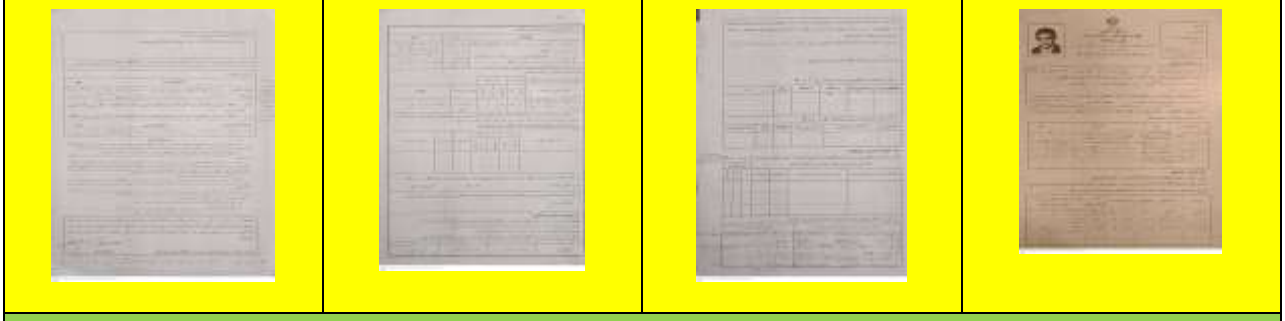
موضوع انتخابی جدید "نقش انفورماتیک در برنامه توسعه در ایران" ، مضمونی میان رشته ای که انجام آن ، مستلزم کاری پژوهشی و گسترده بود. در فرصت انقلاب فرهنگی (طی سالهای ۵۹ تا ۶۲)برای انجام مطالعات پایان نامه ، از سخاوتمندی آموزنده استاد راهنمای خردمند و گشاده دست خود در انتقال دانش و تجربه برای اصلاح و بهبود شکل و محتوای پژوهش پایان نامه ، استفاده و پس از نگارشِ(از شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۳) بالغ بر ۳۰۸۵ صفحه دست نویس تحقیق و ویرایش و تحریرِ خلاصهِ پانصد صفحه ای آن، در اردیبهشت ۶۴ از پایان نامه خود دفاع کردم و به لحاظ تاریخ های ثبت نامی ، در اسفند ۶۳ دانش آموخته شدم (تصویر ۴).

				
صفحه آغازین	صفحه تاییدیه اساتید	تصویر جلد پایان نامه	صفحه پایانی تحریری	صفحه پایانی دستنویس

تصویر ۴- تصاویر صفحاتی از مستندات پایان نامه کارشناسی ارشد

[۷]- شامل استخدام قرار دادی خرید خدمت از تیرماه ۱۳۵۷ بعنوان برنامه ساز سیستم در دفتر خدمات ماشینی وزارت کشاورزی و عمران روستایی وقت.

دوران پسا دانش آموختگی- از آغاز سال ۱۳۶۴ که تدریس در دانشگاه صنعتی شریف را شروع کردم - دوران پرحادثه و اتفاقی بود.که با حضور حق التدریسی در دانشکده تازه تاسیس شده ی مهندسی کامپیوتر آغاز و پس از تصمیم در مورد انتخاب محیط آموزشی برای آینده کاری ، با ثبت نام در فراخوان شورای انقلاب فرهنگی برای ثبت درخواست عضویت در هیات علمی این دانشکده (تصویر ۵) و شروع فرآیندِ ارزیابی ، مصاحبه علمی و تحقیقات محلی رایج ، به انجام رسید.



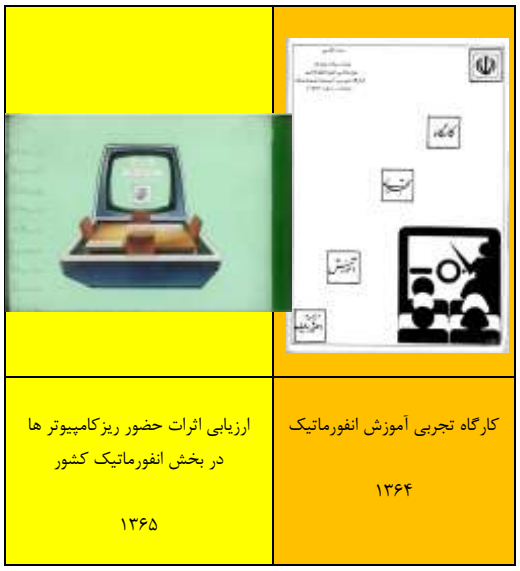
تصویر ۵ - برگه های درخواست عضویت هیات علمی در سال ۱۳۶۳

از همان آغاز تصمیم در این مورد ، در سال ۱۳۶۳، من با کناره گیری تدریجی از کار در وزارت کشاورزی از طریق مرخصی های بدون حقوق تدریجی، در پی تغییر محیط کاربودم.تصمیمی که در سال ۱۳۶۵ منجر به بازخریدی داوطلبانه ام از این کار شد



۴- دومین کار موازی : انجام مقدمات یک پژوهش ۲۰ ساله در زمینه آموزش پیش دانشگاهی رایانه (۱۳۶۵-۱۳۶۴) :

در فاصله اقدام تا انجام انتقال محیط کاری ام از وزارت کشاورزی به تدریس و پژوهش در دانشگاه صنعتی شریف ، در پایان سال ۶۴ که همزمان ، پروژه کارگاه تجربی آموزش انفورماتیک را برای شورای عالی انفورماتیک در شرکت داده پردازی ایران انجام و به اتمام رساندم ، برای برپایی یک مرکز آموزش انفورماتیک توسط مدیران وقت این شرکت دعوت شدم .در دو سال پایانی مرخصی بدون حقوقم در وزارت کشاورزی پروژه دیگری را که به شکل همزمان اجرا کردم : پروژه ارزیابی اثرات حضور ریزکامپیوتر ها در بخش انفورماتیک کشور برای شورای عالی انفورماتیک کشور بود (تصویر ۶) .



تصویر ۶- دو پروژه انجامی در فاصله رفتن از وزارت کشاورزی به دانشگاه صنعتی شریف

ادامه این پروژه ها به طرحی ۲۰ ساله از ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۴ در موضوع پژوهش در آموزش رایانه در سطوح متعدد سنی ، شغلی ، تحصیلی برای عموم انجامید که در عین حال ، طیف وسیعی از استثنائی ها، از تیزهوشان گرفته تا ناشنوایان را در بر می گرفت. دو نتیجه ملموس و مهم این پژوهش به نظر خودم ، ورود رایانه در زمان مناسب به آموزش پیش دانشگاهی ما ، طراحی و نظارت بر نگارش اولین نمونه های کتابهای درسی پیش دانشگاهی رایانه و پیشنهاد ، طراحی و پیگیری برپائی هنرستان های رایانه بود.

۵- دوره یکم کارحرفه ای – شناسایی ، یادگیری ، آموزش ، تجربه آموزی ، انطباق و استقرار(۱۳۵۸-۱۳۵۷) :

دوره اول حضورم ،در در وزارت کشاورزی را صرف شناسایی قابلیت های محیطی کار و تحقق استقرارکردم .امکانات رایانه ای مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی در سال ۱۳۵۶ در ورود مجدد من به آن در ساختمان جدید که قبلا در سال ۱۳۵۳ من آنرا در قالب یک رایانه متوسط سیستم۳ آی.بی.ام در محل قدیم این مرکز در پشت سینما آتلانتیک (افریقای کنونی) دیده بودم از زمین تا آسمان تفاوت داشت . مجموعه بزرگی از رایانه بزرگ یونیواک۱۱۰۰/۱۰[8]و رایانه متوسط اچ.پی سی اکس/۳۰۰۰[9] ، رایانه کوچک پی.دی.پی ۱۱/۰۵و مجموعه ای از دستگاه های جانبی پیشرفته برای کارهای پردازش تصویر و سنجش از دور [10] به نام وان.او.وان[11] متصل به رایانه اچ.پی با یک تلویزیون تک رنگ سه بعدی ، پویشگر فیلم[12] و چاپگرها ، کارت خوان ها ، نوار خوان ها و دیسک های سخت پر ظرفیت و مجموعه حیرت آوری از کد منبع نرم افزار سامانه پایه ی اگزک ایت[13] قابل ارتقا و باز تولید گونه اصلاحی ، برای رایانه یونیواک ،سامانه نرم افزاری سی.آی[14] مربوط به دستگاه جانبی وان.او.وان رایانه اچ.پی برای دور سنجی از کمپانی اس.تی.سی[15] که در دانشگاه استانفورد تولید شده و بهنگام می شد . گفته می شد ، رایانه مشابه یونیواک ما ، تنها در نیروی هوائی امریکا و دستگاه جانبی دور سنجی تنها در کمپانی تولید کننده و دانشگاه مولد نرم افزار دور سنجی وجود دارد.حتی در اوایل انقلاب در وزارتخانه شایع شد ، روسها به دولت ایران پیشنهاد خرید مجموعه سخت افزار یونیواک (تصویر ۷) که مشابهش آن زمان فقط در ارتش امریکا بود را داده بود .برای من این مجموعه پیشرفته در کنار رایانه بزرگ دانشگاه شریف مائده عظیمی برای یادگیری و یاددهی و استفاده بود

.

[8] - UNIVAC 1100/10

[9] - HP3000/cx

[10] - Remote Sensing

[11]- 1O1

[12] - Film Scanner

[13] - EXEC8

[14] - CI

[15] - STC: Stanford Technology Corporation



تصویر ۷ – نمونه ای از سخت افزارهای یونیواک موجود در مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی

کمدهای مرتفعی که در آن نسخه چاپ شده اصلِ صورتِ قابلِ بهبود و ارتقای نرم افزارهای پایه وجود داشت عملا امکان برنامه سازی سیستم را در اختیار ما می گذاشت به اضافه زبانهای سطح بالایی که این امکان را ساده میکرد . زبانهایی پسا نسل چهاری مثل اس.اس.جی[۱۶] که امکان تولید جریانات نشانه ای از جمله مجموعه های فرمانهای دستوری تولید پس از بهبود کد یک سامانه پایه را ، می داد. برای من ، این همه امکانات ، هیجان انگیز بود (تصویر ۸). در حدی که مرا به وسوسه تولید مفسر هایی مولد سطوح بالاتر می کشاند. همانگونه که ترغیب به نوشتن مفسرِ زبانِ جدیدی با این مشخصات پس از مدت کوتاهی پس از یادگیری، شدم.[۱۷]

[16] - SSG : Symbolic Stream Generator

[17] - WECAN based on SSG & PLB based on PILOT

PDP11/05		HP3000/CX
	1O1	

تصویر۸- نمونه ای از تجهیزات رایانه ای اطاق سنجش از دور مرکز خدمات ماشینی وزارت کشاورزی

در این میان بر روی رایانه اچ.پی بخش سنجش از دور، مفسر و همگردانی برای برنامه سازی سیستم بود با قابلیت مشترک زبانهای بسیار سطح بالا تا بسیار سطح پایین ،که از آن برای نوشتن بسته پیش نوشته ی محاسبات اطلاعات ماهواره ای به نام سی.آی برای دستگاه های جانبی وان.او.وان بهره گرفته شده بود. در دسترس بودن کد منبع آن به زبان اس.پی.ال برای من به عنوان برنامه ساز سیستم بسیار هیجان انگیز بود زیرا علاوه بر اینکه امکان آشنایی مرا با الگوریتم های پیچیده استخراج اطلاعات ماهواره ای فراهم می ساخت مرا با اشکال پیچیده طبقه بندی های آماری نیز آشنا می کرد.

با یک تقسیم کار زمان بندی شده نسبتا دقیق با همکاری دو همدرس دانشگاهی همراه و همکار[۱۸] ، و همکاری کارشناسان قدیمی موجود مرکز و قابلترین و همراه ترینشان[۱۹](تصویر ۹) ،طی یکسال ۱۳۵۷ در بحبوحه انقلاب موفق به انتقال فناوری و تجارب

[۱۸]- دوستان عزیزم جنابان مرات نیا و ارباب

[۱۹]- دوست و همکار همراه محمود خان محسنی نیا



محمود محسنی نیا که انسانی بزرگ و معلمی داناست

تصویر ۹ – از یاران همراه

موجود و دسته بندی و مطالعه منابع لازم ، به کمک همه اشکال خودآموزی ، دیگر آموزی و باهم آموزی (تصویر ۱۰) شدیم به گونه ای که با وقوع انقلاب امکان راهبری و نگهداری مرکز بدون وجود و کمک کارشناسان خارجی مقیم مرکز نمایندگی شرکت یونیواک در تهران - که رایانه ها از آن اجاره شده بود- برای گروه ما فراهم بود.



تصویر ۱۰- کارت شناسایی، حکم استخدام رسمی ، گواهینامه های آموزش حین خدمت

۶- دوره دوم کارحرفه ای – برنامه ریزی آموزشی ، آموزش دهی و کمک به بلوغ نیروهای انسانی و ارتقای سرمایه های فکری(۱۳۵۹-۱۳۵۸) :

در دوره دوم به کمک دوستان به تدوین کتاب های آموزشی لازم پرداختیم و برای انتقال این دانش به طیف گسترده تری از کارشناسان مرکز با برگزاری دوره های کوتاه مدت با برنامه های درسی مدون و بکمک کارشنان خبره مرکز در حوزه های گوناگون فعالیتی اقدام کردیم به گونه ای که سطح سواد تخصصی عمومی در مرکز به اندازه چشم گیری ارتقا یافت و نیروهای راهبر و کاربر در این مرکز با قابلیت جایگزینی ، عصر تکیه بر تک ستارگان کارشناس را، پشت سر گذاشتیم. تصاویری ازجلد برخی از

جزوات منتشره کتاب مانند ، در این دوران و حجم این مستندات منتشره در سالهای بعد ، نشان از حجم کار انجام شده دارد (تصویر ۱۱) . اشاره می کنم زمان اجرای برخی از این فعالیت ها همزمان با شروع دوران جنگ تحمیلی و اقتضائات آن بود. آمار مدونی از نفر/ساعت آموزش داده شده کارشناسان در این دوران فراهم نشد درنتیجه اکنون جز در اذهان، در دسترس نیست ولی بی شک تحول انجام شده که در کیفیت جدید نیروی انسانی آشکار بود و همین شرایط جدید بود که به انها امکان میداد وزارتخانه به ساختار جدید اداره آمار واطلاعات برای کاربردی کردن استفاده از رایانه در ساختار وظایف اصلی وزارتخانه بیندیشد که منجر به ادغام بخش کامپیوتر و آمار در وزارتخانه و تشکیل اداره کل آمار و اطلاعات در سال ۱۳۵۹ شد.

			
جزوه SPL در ۳۳۲ برگ	جزوه PLB در ۴۸ برگ	جزو SSG در ۷۰ برگ	جزوه HP3000/CX در ۱۱۶ برگ
تصویر ۱۱- تصویر جلد و مشخصات برخی از کتابهای جزوه مانند منتشره سالهای بعد کلاسهای آموزشی انتقال و گسترش فناوری			

۷- دوره سوم کارحرفه ای – تلاش هایی برای افزایش کارایی بهره گیری از خدمات رایانه ای در اداره کل آمار و اطلاعات (۱۳۶۱-۱۳۶۰)

در دوره سوم به کمک همکاران به سازماندهی برای اجرای اثربخش برنامه ادغام بخش های رایانه و آمار ، جهت افزایش به کارگیری رایانه در محاسبات و مطالعات آماری پرداختیم ، که هدف وزارتخانه هم شده بود . در این جهت لازم بود مرکز خدمات ماشینی قدیم در قیافه جدید واحد رایانه ، بازهم تواناتر ظاهر شود تا در فرآیند ادغام دست بالاتر را داشته باشد و نه به عنوان ابزار منفعل ، بلکه همکار، با افکار و راه حل های نو در این ادغام حضور بیابد ، تا هضم یا حذف نشود.

در شرایط تحریمی جنگ تحمیلی ، یک نقطه قوت مرکز کامپیوتر وزارت کشاورزی یعنی بخش سنجش از راه دور- علیرغم داشتن نرم افزار و سخت افزارهای پیشرفته به علت عدم امکان دسترسی به اطلاعات روزآمد ماهواره های گردآورنده ادواری اطلاعات تغییرات پدیده های زمینی برای تخمین هایی نظیر برآورد سطح تولید سالیانه محصولات کشاورزی - عملا غیر کاربردی شده بود و قابلیت ارتقا تجارب کما بیش موفق پیشین را از دست داده بود. با تفکری واسازانه[۲۰] ، به فکر مهندسی معکوس آن افتادم . با توجه به الگوریتم های پیچیده و توانای طبقه بندی های چند وجهی اطلاعات ماهواره ای توسط نرم افزار بکارگیری سی.آی بر روی دستگاه جانبی وان.او.وان متصل به رایانه اچ.پی موجود در دفتر سنجش از دور ، که از مطالعه کد منبع این نرم افزار که به زبان اس.پی.ال بود به آن دست یافتم، تلاش متاسفانه کم توفیقی کردم که داده های سرشماری های کشاورزی را که به علت قلت دانش آمار کاربردی در کشور و به پیروی از سطح کار مرکز آمار ایران بر اساس تنها یک صفت یا تعداد معدودی صفت صورت می گرفت- که عملا در آن چارچوب های سرشماری به سرعت فاقد اعتبار می شد- با خوراندن به این نرم افزار به عنوان یک تصویر ماهواره ای، بر اساس صفات متعددی طبقه بندی کنم که عملا به علت کم دانشی و مهارتی در آمار کاربردی توفیقی نیافتم. اما تلاشم رادر جهتی دیگر ادامه دادم.

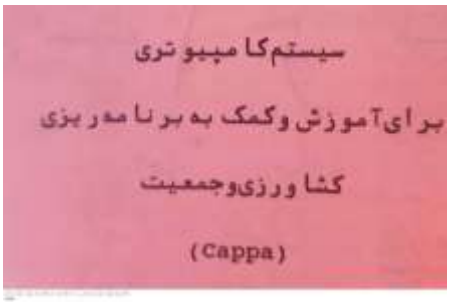
در جستجوی امکانات مغفول مانده و تدارک بکارگیری آنها برای بدست آوردن دست بالا در فرآیند ادغام ، جزوه ای انگلیسی در مورد سامانه ای نرم افزاری یافتم از نرم افزاری با واسط کاربر متنی ساده برای آموزش و کمک به برنامه برنامه ریزی کشاورزی و جمعیت توسط رایانه به نام کاپا[۲۱] که توسط سازمان خواروبار جهانی فائو نوشته شده و در اختیار کشورهای عضو گذارده شده بود.این نرم افزار ظاهرا ساده از جهت ماهیت راهبردی نتایجش بسیار نظرم را جلب کرد.با ترسیم یک سال موجود به عنوان سال پایه ، برنامه ریزی را اغاز می کرد.با تعبیر سال هدف به افق و درج اطلاعات سال افق در این سامانه - در صورت کامل بودن کمینه آمار و اطلاعات لازم و کافی- این سامانه برنامه ریزی کشاورزی به کمک رایانه[۲۲] عملا می توانست منابع مورد نیاز (سرزمینی ، بذری ، آبی ، انسانی) تحقق اهداف سال افق – مثل سطح زیر کشت مورد نیاز تحقق میزان محصول یا محصولات

[20] - Deconstructive

[21] - CAPPA : Computer Aided Planning & Population.

[22] - Computer Aided Agriculture Planning

خواسته شده - را برآورد کرده و تحویل دهد.ترویج گسترش به کارگیری این سامانه نیز متاسفانه به توفیق نیانجامید[۲۳] زیرا اطلاعات آماری مورد نیاز آن یافت نشد و کارشناسان جدیدی هم علاقمند به بکارگیری آن نیز نشدند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲ – سامانه کاپا

در اقدامی دیگر فکر ایجاد شبکه آمار و اطلاعات کشور را مطرح کردم و در تعاملی با مرکز آمار ایران و با همکاری کارشناسی خبره از آنها ، اقدام به پژوهش برای نوشتن برنامه برپایی آن کردیم که طرح آماده شده (تصویر ۱۳) به مسئولین سازمانها ارسال اما تصویب و پیاده سازی آن نیز حاصل نشد.


عنوان طرح : شبکه اطلاعاتی - آماری کشور

توضیح : این طرح در رابطه با طرح کلی نظام آماری ارائه شده در اسفند ماه ۱۳۶۰ و نظام برنامه ریزی کشور جهت شورای اقتصاد مورخه ۱۳۶۰/۱۰/۱۰ تهیه شده است.

گروه تهیه کننده: چاوشی و ابطحی

خرداد ۶۱

تصویر ۱۳- پیشنهاد شبکه اطلاعاتی – آماری کشور

[۲۳]- جز به شکل محدود در مرکز مطالعات و برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارتخانه که پیشینه بکارگیری کمی داشت.که این مرکز سال ها بعد ترجمه ای از جزوه کاربری این سامانه را در سال ۱۳۷۲ در ۲۴۵ صفحه منتشر کرد.

۸- دوره چهارم کارحرفه ای – تلاش کم ثمر برای احیای جایگاه امکانات رایانه ای و انسانی آماده در ساختار دو رگه اداره آمار و اطلاعات (۱۳۶۳-۱۳۶۲) :

تلاشهای کمتر ثمر داده فوق در این زمان ، نقطه قوت ما را که ابزار رایانه ای سخت و نرم افزاری نوین و نیروی آموزش دیده توانا بود - که با زحمتی طاقت فرسا ، فراهم کرده بودیم در آستانه بلوغ با امکان بکارگیری پر ثمر، فراتر از اجرای چند سامانه کاربردی اداری ادواری در این زمان در کوبولستان[۲۴] بود - آهسته آهسته به علت اتفاقات بیرونی خارج از اراده ما ، مورد تهدید واقع شدند. شمول مصادره انقلابی که به بخش رایانه کشور کشیده شده بود ، با توجه به خطرهای دوران تحریم و جنگ تحمیلی، بنظر میرسید از این پس عملا این نقطه قوت ما می توانست به حساب نیاید و با مصادره اموال استیجاری نمایندگان شرکت های رایانه ای ، تهیه قطعات سخت افزاری دشوار شد،و ارتباط با شرکت مادر برای ارسال ایرادات و دریافت و اعمال تصحیحات ادواری در قالب میکرو فیش جهت بهبود یا ارتقای نرم افزار منقطع شد و زمزمه ورود ماشینهای دست دوم جایگزین عملا حتی موجودیت رایانه های پیشین را به پرسش کشید.

در نگاهی عمل گرا ، شاید هدف راهبردی ادغام آمار و اطلاعات موجه و یا لازم بنظر میرسید اما یک واقعیت سازمانی ، که از غلبه بخش فعالیتی مورد نیاز تر- بدون عنایت به پیشینه بازدهی آن و نیازش به بکارگیری فناوری های رایانه ای - در فرآیند ادغام خبر میداد ، در تشکیل اداره آمار و اطلاعات هم سیمای خود را نشان داد. بخش سنتی آمار وزارتخانه که مجهز به سواد متکامل رایانشی محاسبات آماری نبود، مستمرا گزارشات آماری سنتی دستی ارائه می کرد ، در عین حال ، عملا بتدریج توان ابزاری و انسانی رایانه ای وزارتخانه را کم کاربرد و اثر جلوه داد[۲۵]. در حالیکه بخش رایانه با استفاده از فناوری هایی چون سنجش ازدور گامهای بسیار در مقایسه با بخش آمار از نظر بکارگیری فناوری های نوی اثربخش ، پیش بود ،اما به این سیاق ، قافیه را باخت. در عین حال محیط بیرونی اساسا فضای رایانشی کشور را در حالت کم یا بی اثری قرار داده و با پرسش نادقیقی ، در جستجوی علت وجودی آنها برآمده و عملا آن ها را از حیّز انتفاع ساقط کرده بود .

در این زمان در سال ۶۳ با درک این تنگنا و اینکه علاقه نداشتم به عنوان فردی فنی در حد یک کارمند اداری عاطل و باطل ، کم کار و بی تحرک ، تنها به تماشای وقایعِ از منظر کارشناسی ناصوابِ فراسازمانی بنشینم. تقاضای مرخصی بی حقوق کردم تا شرایط را برای گسستن از وزارت کشاورزی و پیوستن به محیط پر تحرک تری که در دانشگاه سراغ کرده بودم به تدریج آماده کنم ، حالا که با اتمام دوره کارشناسی ارشد امکان انجام کار مورد علاقه ام تدریس و در کنار آن پژوهش ، یافته بودم ، ترجیح دادم با سرعت بیشتری شرایط تحقق این جابجایی را فراهم کنم.

---

[۲۴]- نامی کنایی که اعضای شوخ و شنگ گروه سامانه های کاربردی اداره بر گروه و اطاق کار جمع و جور خود نهاده بودند به سرپرستی غیر رسمی جناب مسعود صراف زاده کارشناس صبور و دقیق و مورد احترام کوبولستان.

[۲۵]- از زمان مدیریت جناب طائی

۹- پایاندهی : از مرخصی بدون حقوق ناپیوسته تا بازخرید (۱۳۶۵-۱۳۶۳) :

مسیری کاری که برای حضورم در این دوره در وزارت کشاورزی اندیشیده بودم ، ثمرات بسیارِ انسانی (یافتن دوستانی کم نظیر) ، دانشی (تجربه خودآموزی وسیع برای بکارگیری اثربخش) و تجربی (کسب مهارت مواجهه با پیشرفته ترین فناوری ها) برایم داشت و طبیعتا با توفیقات و شکست هایی هم همراه بود اما از این جهت از آن راضی بوده و هستم که در بسیاری موارد دو روی سکه را همزمان به من نشان داد ، که باعث افزایش شوق و کاهش یاس احتمالی من می شد. آنچه در رابطه با مدیران در این دوره تجربه کردم عملا در باقی دوران کاری به درستی مانع حضور من در غیر سمت های فنی مدیریتی شد که حاصلش ضریب کارایی بالاتر از سه برابری شد .عددی که شاید نشان از عمر کاری به خسران نگذرانده داشت .اما در این بخش روایت با عنوان پایاندهی به مسیر و فرآیندی که در سال ۱۳۶۳ با مرخصی بی حقوق دو ماهه آغاز کردم و بعد از دوسال – با یک حضور ۶ماهه مجدد از ابتدای سال ۶۴- در سال ۱۳۶۵ موفق به کسب بازخریدیِ خودخواسته، شدم را با تصویر چند نامه پایان می دهم تا با هم با یک آفت مدیریتی فراسازمانی آشنا شویم که مدیریت مبتنی بر هدر دادن منابع انسانی را شکل داده است. در این چند نامه می بینید مدیرانی که زمانی از همکاران نزدیک و دوستان ظاهرا هم هدف بودند و به صراحت، اعتراف عیان ، به قابلیت هایی در من می کنند ، چگونه وقتی با خواسته مصرانه بی چشمداشت من برای گزینش کاری دیگر، مواجه میشود بعد از تلاشهای فراوان من ،زمانی هم که به خواسته ام تن میدهند، شاید از واهمه اینکه کسی ، زمانی، این خواسته داوطلبانه خروج را ، به صفتی نقدپذیر در آنها نسبت دهد ،علت آن را به ناتوانی من در کار ، نسبت می دهند اما فراموش می کنند که در نامه ای رسمی هفته ای پیش، به توانائی های کاری من ، شهادت داده بودند(تصویر ۱۴).

						
مرخصی۱ بی حقوق دو ماهه تیر و مرداد ۶۳	مرخصی۲ بی حقوق ۷ ماهه تا پایان سال ۶۳	مرخصی۳ بی حقوق ۶ ماهه مهر تا اسفند۶۴	مرخصی۴بی حقوق ۳ ماهه ابتدای سال ۶۵	موافقت با ادامه تحصیل و تایید خدمات آبان ۶۵	موافقت با بازخرید و تنقید توانایی کاری بهمن۶۵	حکم بازخرید اسفند ۱۳۶۵

تصویر ۱۴ – تاییدیه توان کاری ،برگه های تقاضای مرخصی بی حقوق ، موافقت با بازخرید

۱۰- پیشنهاد بورس دکتری وزارت کشاورزی – مهر تاییدی بر رابطه قدرشناسانه متقابل سرمایه های فکری و مدیران خردمند (۱۳۷۹) :

ادامه همکاری من با این وزارتخانه و سازمانهای تابعه و دوستی با کارکنان وبرخی مدیران مجرب و دلسوز، تا سالهای پایانی کار حرفه ای من در نزدیکی دوران بازنشستگی، ادامه داشت ، که آنرا هم خواهم نوشت .این تعلق خاطر و اطمینان دوجانبه و تمایل پر دوام ، بر اساس احترام متقابل به همکاری به گونه ای بود که.حتی با بلند نظری همکاران و دوستان قدیمی و وفادار وزارت کشاورزی که پیگیر ادامه تحصیل من بودند - و حتی علیرغم تقاضای خودخواسته و تحقق بازخرید من در مقطعی- در سال

۱۳۷۵ مرا در گرفتن پذیرشی برای ادامه تحصیل در آی.تی.سی هلند یاری دادند[۲۶]. و سپس در سال ۱۳۷۶ که تلاشهای مکرر من برای ادامه تحصیل به علل مختلف به سرانجام نرسید، دیدند ، از سوی وزارتخانه پیشنهاد بورس ادامه تحصیل دکتری در دانشگاه تهران به من داده دادند (تصویر ۱۵) که البته با توجه به حضور رسمی در دانشگاه صنعتی شریف ضمن تشکر از این حسن ظن ، عملا از آن استفاده نکردم.



تصویر ۱۵- نامه معرفی برای استفاده از بورس دکتری از طرف وزارت کشاورزی

این تعاملات انسانی غیر از احترام متقابل و همکاری های سودمند بعدی ثمرات فرهنگی هم داشت آن گونه که بعدها در پروژه ارتقای سطح علمی کارکنان در پروژه مشترکی با دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف ، منهم که هیات علمی آن دانشکده شده بودم ، مساعدت های بی چشم داشتی در رعایت ملاحظات اخلاقی در این مورد کردم.

[۲۶]- از جمله دکتر علی شریفی مدیر اوایل انقلابِ خردمند و توانای اداره خدمات ماشینی وزارت کشاورزی .

۱۱- سی سال حضور در حاشیه : از همکاری مشاوره ای پسا بازخریدی تا اجرای طرح برنامه ریزی معماری سازمانی وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۶-۱۳۶۶)

پس از دوران مدیریت آن گروه نامحبوب ، جمع گسترده کارکنان با سابقه و مجرب اداره کل آمار و اطلاعات ، توسط مدیران فن سالار بعدی ، برای فراموش کردن دسته بندی های جدائی ساز ، خانواده آمار و اطلاعات نامیده شد که خوشبختانه هنوز هم پس از سالها ، علیرغم دوبار تغییر نام این واحد در وزارت جهاد کشاورزی ، با نام خانواده آمار و اطلاعات ، گاه گاه به بهانه تجدید دیدار و یادآوری خاطرات خوب پیشین گرد هم می آیندکه منهم گاهی در صورت اطلاع از جمله در تصویر زیر به ملاقات دوستان قدیمی میروم (تصویر ۱۶).

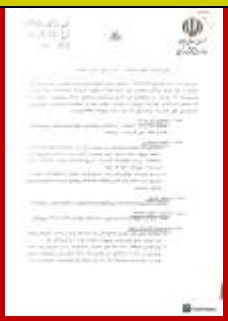


تصویر ۱۶- خانواده آمارو اطلاعات در دید و بازدید ادواری در پارک جنب خانه هنرمندان ۱۴۰۱

در قالب تلاش برای تحقق علائق مشترک ، تا سال ها ، خدمات مشاوره ای من به این وزارتخانه و سازمان های وابسته در قالب قرار دادهای موردی ادامه داشت که به مواردی از آن در اینجا با نام بردن کفایت می کنم:

- مشاوره به زنده یاد مهندس کاتبی در بانک زمین در موضوع سامانه های اطلاعاتی رایانه ای (در نیمه دوم دهه ۶۰).
- مشاوره و همکاری با اداره کل آمار و اطلاعات کشاورزی در زمینه اتصال شبکه سازمانی وزارت کشاورزی به اینترنت و برپایی اولین وبگاه فارسی سازمانی اینترنتی (با اولین قرارداد ارتباطی اینترنتی اکس.۲۵ ارائه شده توسط شرکت مخابرات) در زمان وزارت دکتر کلانتری که بعدها این مورد را در بانک کشاورزی هم پی گرفتم.
- همکاری پروژه ای و مشاوره ای قراردادی با اداره کل آمار و اطلاعات در سال های ۱۳۷۱ (برای تدوین طرح جامع انفورماتیک) ، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴و ۱۳۷۵ در دوران های مدیریت مهندس دهقان و مهندس مرات نیا..

- مشاوره به زنده یاد دکتر غلامرضا بیات در دوران مدیریت دکتر رسول اف در موضوع فناوری اطلاعات در بانک کشاورزی (در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷) شامل مطالعه و برپایی اینترانت سازمانی آنها.
- همکاری با اداره کل آمار و اطلاعات در طراحی و اجرای طرح آموزشی ارتقای کاردانان اداره به کارشناسان کاربردی کامپیوتر در دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف به خواسته مدیران وقت اداره کل مهندس دهقان و مهندس مرات نیا (در اوایل دهه هفتاد) در طرحی مشترک با دانشگاه صنعتی شریف .
- همکاری فرهنگی : نگارش و انتشار کتاب متن شناسی ساخت یافته فناوری بزرگراه های اطلاعاتی در زبان فارسی در اداره کل آمار و اطلاعات کشاورزی در ۱۵۰۰ نسخه در آبان ماه ۱۳۷۶.
- انجام مطالعه معماری اطلاعات معاونت مالی وزارت جهاد کشاورزی در شرکت راهگشا در نیمه دوم دهه ۸۰.
- چهار سال مشاوره نظارتی بر تولید ، نگهداری و راهبری سامانه رایانه ای بیمه محصولات کشاورزی (سابکا) در صندوق بیمه محصولات کشاورزی به معرفی مهندس مرات نیا در میانه ی دهه ۹۰ در سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶).

			
قرارداد مشاوره با اداره کل آمار و اطلاعات	طرح جامع انفورماتیک کشاورزی	قرارداد مشاوره با اداره کل آمار و اطلاعات	کتاب فن آوری های بزرگراه های اطلاعاتی
			
تقدیر مدیریت بانک کشاورزی	مشاوره و نظارت در صندوق بیمه محصولات کشاورزی	مشاوره در بانگ کشاورزی	اینترانت بانک کشاورزی

تصویر ۱۷ - نمونه هایی از قرار دادها ، تقدیر نامه ها ، حاصل حدود سی سال فعالیت مرتبط با وزارت کشاورزی پس از خروج

۱۲- آموخته ها :

دوران حضور در وزار ت کشاورزی با آموخته ها و تجارب حرفه ای بسیاری برای من همراه بود .که غیر از سطح بالای فناوری های رایانه ای موجود در آن ، حضور کارشناسان خبره اش برای من بسیار آموخته ها داشت که جای احترام و تقدیر فراوان دارد .ضمن اینکه انتقال آموخته هایم هم در این وزرارتخانه ، تجربه ی آموزش حرفه ای ذیقیمتی بود. تجربه دیگری که برایم آموخته های فراوان داشت سفری به آلمان در سال ۱۳۷۲ به اتفاق مدیران وقت اداره برای مذاکره در مورد پیشنهاد شرکت سافتور ای.جی [۲۷] از طریق نماینده وقت آنها، شرکت داده پردازی ایران برای بکارگیری راه حل نرم افزاری **پردیکت**[۲۸] که در ایران یک نسخه از آنرا به شرکت فولاد مبارکه داده بودند. من به عنوان مشاور نرم افزار وقت اداره ، ضمن تایید و کاربری این نرم افزار ،با استدلال غیر اقتصادی بودن برای ما به علت قیمت زیاد ، نظر موافق نداده بودند . داده پردازی به روال تجاری خودش و هم برنامه بازار یابی متداول با فراهم کردن این سفر و نمایش قابلیت های کاربری آن میخواست ما را قانع کند که البته دست نداد و مجموعه اداره بر نظر مشورتی صحه گذارد. اما به علت نقش شرکت المانی که در کشور خودش که شبیه آی.بی.ام در آمریکا بود ، برای من دستاوردهای فنی خوبی از جمله فهم کاربردی تر از مفهم عملی مدیریت پروژه و امکانات قابل توجه این شرکت به ویژه برنامه های آتی آنها در مورد سامانه های اطلاعات جغرافیای در پروژه ای با پلیس اسپانیا ، که برای ما که فعالیت های سنجش از دور داشتیم میتوانست راه حلی گسترشی باشد که بعدها هم متاسفانه این امر محقق نشد و واحد سنجش از دور ما ، که در چنبره نیمه دیگر خود که واحد آماری بسیار سنتی بود ، فرصت رشد و سپس استمرار بقا نیافت.یادش بخیر زنده یاد ، دوست عزیزمان اکبر بخشی که در این سفر همراهمان بود(تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸ – در پارک مانهایم آلمان با برخی همراهان ، خاطره ای از سفری کوتاه اما بیاد ماندنی

[27] - Software AG

[۲۸]- محیط نسل چهارم بسیار پیشرفته ای شامل زبان نسل چهارم نچرال (NATURAL) ، پایگاه داده ای آداباس (ADABASE) و دیکشنری پردیکت (PREDICT)

۱۳- دستاوردها و خرسندی ها :

دستاوردهای حضور تقویمی رسمی نه ساله و کمی بیش از ۶ سالِ واقعی من در وزارت کشاورزی ، دوران پر رضایت و سرشار از آموزش گرفتن و آموزش دادن و کسب تجارب حرفه ای مانا بود . فکر می کنم این توفیق در رابطه با محیط و به شکل متقابل هم بود زیرا خارج از استخدام رسمی بعدها تا سی سال ادامه یافت که این شاید استثنایی باشد و از همه مهمتر کارشناسان مجرب، اکثریتی مدیران خردمند و همکاران عزیزی که در این دوران یافتم که رفاقت با برخی از آنان را سالیان و هنوز در کنار خود داشته و به آن مباهات کرده و می کنم. دوران کار من در وزارت کشاورزی همزمان با انقلاب ، جنگ تحمیلی اما به یمن دوستان خوبی که یافتم در عین حال سرشار از شادی و سرخوشی و لذت در عین تلاش پر زحمت برای انجام کار با کیفیت بود که خوشبختانه در محیط کاری مخاطبان خود را یافت و این همراهی علاوه بر اینکه آن را اثر بخش کرد ، عمری پر رضایت ساخت که گرانبها بود.چون قصد خاطره گوئی تفضیلی در این نوشته ها ندارم به شکل عنوانی مصادیقی برای گفته های فوقم می آورم :

- سفر المانی که در بند قبل به آن اشاره کردم ، با موهبتی تصادفی یکی از خاطره انگیز ترین یادگارهای سفر را برایم ساخت. در روزی بارانی تعطیل که همراهانم برای کاری رفته و تنها بودم ، بازدیدی گذرا و تصادفی از دانشگاه هایدلبرگ داشتم که هنوز برایم بسیار عزیز است و نقش آنهمه فیلسوف دانشمندی که در آنجا زیسته بودند مرا حیران کرده بود.

- من در سنین ۲۳ تا ۳۱ سالگی یعنی جوانی در وزارت کشاورزی بودن و در کنار کار پر زحمت هیچگاه علائق هنری و ورزشی خود را طبق معمول رها نکردم .در جنبه اول موزه هنرهای معاصر تهران در پارک لاله و سینما تک آن عصرهای پایان هفته ، پاتوق من بود و مرور بر فیلم های تاریخ سینما که در اوایل انقلاب ، تصویر دست آپاراتچی که مکرر بر پرده ظاهر می شد و برای صیانت از اخلاق ما ، سینما پارادیزو گونه ، پرده را احتمالا می خواست از تصاویرِ اخلاق گریز، حفاظت کند را هنوز بیاد دارم. فوتبال ورزش مورد علاقه ام را به کمک دو دروازه گل کوچک و تعدادی توپ پلاستیکی دو لایه ، در صندوق یک ژیان فکسنی سرمه ای رنگ شخصی ، کماکان با دوستانی در اداره (نظیر سعید خان نعمتی) و در محله (از جمله منصور خان اسداللهی ، دکتر اسداللهی فعلی مقیم ینگه دنیا) پی میگرفتم ، که در خیابانگردی های پس از کار با یافتن یک محل یا کوچه خلوت ، و خبر کردن سینه چاکان فوتبال ، بساط عیش ورزشی معمولا فراهم میشد. در اداره به علت مجاورت با پارک لاله ، قرار ما صبح های بسیار زود و قبل از شروع ساعت کار اداری و در زمین های اسفالت پارک بود که چه میزان لذت بخش بود ، بماند. حتی در این پارک اولین و آخرین نوبت تجربه مربیگری فوتبال را - با احترامی که دوستان با چشم پوشی از سطح ابتدایی بازی من ، به من گذاردند - در یک بازی دوره ای وزارتخانه ای با تیمی به نام شهید واقفی تجربه کردم ، که خوشبختانه دیگر تکرار نشد که برای آن قطعا فاقدالشرایط بودم. مهندس پرویز یوسفی همکلاسی سابق من در دوره کارشناسی ، همکار آن زمان کوبولستان با آرامش و متانت همیشگی و مهربانی های بی همتایش گاه که در این صبحگاه های ورزشی همراه ما میشد ، آن فوتبال ها طعم دیگری می یافت طعمی از وقار ، متانت و احترام در دوستی که خصلت این عزیز بوده و هست.

۱۴- رنج ها و حسرت ها :

رنج ها و حسرت هایم برای این دوران هم کم نیست اما انسان رنج دیده را جز فراموشی مگر چاره ای هست؟ برخی رنجها به اختلالات محیطی تعاملات بین فردی در دوران پر تلاطم انقلاب و جنگ بر میگردد که گاه به سوء تفاهمات بی پایه و اساس منجر می شد و حسرت ها ، در مورد کج اندیشی و گاه کج رفتاری برخی دوستان تازه ای بود که در این محیط یافتم و در دوران کوتاه نظریه پرستی ، تمایلی به آنان یافتم. بعد برخی از آنان، که سمت های مدیریتی یافتند بنظر می رسید از عقایدشان به ضرر جمع سوء استفاده کردند، هرچند در کناره گیری از آنان لحظه ای درنگ نکردم اما رنج این کج فهمی مدتها با من ماند . حسرت دیگرم از غیبت عزیزان همکاری بود که بعدها در اداره شاهد یا خبر گیرِ غیبت ابدیشان شدم نظیر زنده یادان محمد علی فتوّت ، مهندس کاتبی ، اکبر بخشی ، کمال کیا ،پویادل ، حمید رضا اشکان ، بهزاد شیوا ، جعفر کریمی ، دکتر عباس گرامی ، دکتر غلامرضا بیات، مهندس شیبانی و اخیرا زنده یاد جاوید گیانی.



زنده یاد حمید رضا اشکان | تازه گذشته جاوید گیانی



عناوین و محتوای سی و پنج کتابک الکترونیکی در دست نگارش و تدوین من

(به مبالغه ی از سر بزرگواری دکتر خلیلیان : استاد ابطحی) ۱۴۰۵/۷/۲۴

برای درج تدریجی در وبگاه انجمن انفورماتیک ایران(ده کتاب تمام و نشر شده است)

شماره کتابک	عنوان بسته و ترتیب نشر در وبگاه انجمن	ترتیب در بسته یا مرقومه	نام کتابک	محتوای کتابک	عنوان به عاریت از شاعر معاصر	نگاره گر تصاویر بین متنی	زمان نشر	تعداد صفحات	محل نشر
۱	**مکاشفه** ۲	۱	نوشتن تا طلوع	۲۸ یادداشت در خبرنامه انجمن آموزش مهندسی	احمد اخوت	گیلبر گارسین	بهار ۱۴۰۲	۲۱۸	isi , isee
۲	۳۲	۲	منهایِ بهاران	مصاحبه+تقدیر+سخنرانی+میزگرد+ کتاب+وبینار و جوایزه	منوچهر آتشی	اردشیر محصص			isi
۳	۳	۳	گلهای بهشتی نروئیده در فردوس	زندگینامه دکتر مصطفی عاصی	محمد مسعود	گیزلا سینائی	زمستان ۱۴۰۴	۸۶	isi
۴	۱۰	۴	واقعیت رویای من است	مدرسه عالی برنامه ریزی و کاربرد کامپیوتر ۴ سال (۱۳۵۶-۱۳۵۲)	بیژن نجدی	مسعود مهرابی	شهریور ۱۴۰۵	۱۱۵	isi
۵	۱۱	۵	حوضچه خواهش مرعوب قطره های باران است خواهشِ مرعوبِ قطره هایِ باران	وزارت کشاورزی و عمران روستایی ۹سال(۱۳۶۵-۱۳۵۷)	فریماه فرهت نیا	پرویز شاپور	مهر ۱۴۰۵	۳۴	isi
۶	۱۲	۶	چرخه زمانه را درنگی نیست درنگِ چرخه ی زمانه	شورای عالی انفورماتیک کشور ۱۹سال(۱۳۷۶-۱۳۵۸)	احمد محیط	منیر فرمانفرمائیان			isi
۷	۱۳	۷	چه حال است این،کزو میخیزد آواز حالِ آواز خیز	شرکت داده پردازی ایران ۷سال(۱۳۷۱-۱۳۶۵)	وحشی بافقی	پرویز کلانتری			isi
۸	۱۴	۸	بر تن هیچکس نبوده انگار، این صندلی سنگینی های همه کس انکار	وزارت آموزش و پرورش ۸سال(۱۳۷۲-۱۳۶۵)	ندا آبکار	محسن وزیری مقدم			isi

۹	۱۵	۹	مزرعهِ پاکِ مهر	صندلیِ سنگینِ همه کس انکار					
۱۰	۱۶	۱۰	تشویش هزار آیا ، وسواس هزار امّا		مرکز دخترانه تیزهوشان فرزانگان ۵سال(۱۳۶۹-۱۳۶۵)	مولوی	ناصر اویسی		isi
۱۱	۱۷	۱۱	قبیله ی شعر نامکتوب		مرکز فرهنگی روزبه ۱۵سال(۱۳۸۴-۱۳۶۹)	حسین منزوی	منصور قندریز		isi
۱۲	۳۵	۱۲	رخشید رهگذری در خوابِ پروانه ها		دانشگاه صنعتی شریف ۴۵سال(۱۴۰۲-۱۳۵۶)	طاهره صفارزاده	پروانه اعتمادی		isi
۱۳	**در خانه ۱**	۱	همچون درخت در شب باران		تجارب ۱۴ درس جدید دردانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف	شفیعی کدکنی	گیلبر گارسین	بهار ۱۴۰۲	۱۰۴	isi , isee
۱۴	۸	۲	به کوچکی حجم خواب خرگوش		تجارب کاری من	کیومرث منشی زاده	حسین محجوبی	تابستان ۱۴۰۵	۳۴۱	isi
۱۵	۱۸	۳	بی پروائیِ رویا بینی		ده پژوهش دانشگاهی	مارگوت بیکل	آیدین آغداشلو			isi
۱۶	۱۹	۴	جهان اگر به واژه بگنجد		هدایت پایان نامه های تحصیلی	شاعر گمنام	کامبیز درمبخش			isi
۱۷	۲۰	۵	کدام واژه جهان است؟		مقالات در مجلات و کنفرانس ها	خودم	احمد سخاورز			isi
۱۸	۲۱	۶	روان اگر به رود درآید		مستندات پروژه های پژوهشی	خودم	آراپیک باغداساریان			isi
۱۹	۲۲	۷	کدام رود روان است؟		مستندات پروژه های کاری	خودم	احمد عربانی			isi
۲۰	۲۳	۸	نگذار بسوزد خارستان		خاطرات پیشکسوتی من	یاشار کمال	بهجت صدر			isi
۲۱	**برگ سبز ۶**	۱	مشتی نور ، از چشمه آبی		معرفی کتابهای در ۱۲۵ شماره گزارش کامپیوتر	ضیاء موحد	محمد علی ترقی جاه			isi
۲۲	۵	۲	با نگاه، دیدن		سی روی جلد پیشنهادی به گزارش کامپیوتر	پرادیپ اوماشانکار (مهدی اخوان لنگرودی)	کورش شیشه گران	زمستان ۱۴۰۴	۱۰۲	isi
۲۳	۷	۳	فروختنِ لحظاتِ بیهودگی		دیدگاه های گزارش کامپیوتر	ویلیام شکسپیر	مسعود عربشاهی	زمستان ۱۴۰۲	۷۳۱	isi

۲۴	۶	۴	نیلوفرانِ سپیدِ ساحلِ دریا	صد زن ستاره انفورماتیک جهان	سیمین بهبهانی	فرح اصولی	زمستان ۱۴۰۲	۱۵۹	isi
۲۵	۲۴	۵	آسیاب هایِ بادی	۲۱ طرح کاری	بهزاد خواجات	ناصر عصار			isi
۲۶	۲۵	۶	آوازِ باران	۵ درس افزار پیش دانشگاهی	سیروس مشفقی	جلیل رسولی			isi
۲۷	۲۶	۷	زوایایِ این قاب	ده قسمت سیمای انفورماتیک ایران	رزا جمالی	پرویز تناولی			isi
۲۸	۲۷	۸	میزبان بی نگاه	ده تحلیل بخشی	محمد حقوقی	فرامرز پیلارام			isi
۲۹	۲۸	۹	بیا خانه ای بسازیم	۱۱ برنامه درسی	شهاب مقربین	محمد احصائی			isi
۳۰	۲۹	۱۰	روایتِ جهان و من از خود	۷ کیفیت سنجی آموزشی	بیزن جلالی	منوچهر صفرزاده			isi
۳۱	**در وقت اضافی ۹**	۱	در برابر درختی بلند	هوش مصنوعی مدرسه ای در پنج قدم	والاس استیونس	واحد خاکدان	تابستان ۱۴۰۵	۱۱۰	isi
۳۲	۳۰	۲	چشم در راه	شرکت راهگشای سامانه تهران	نیما یوشیج	علیرضا اسپهبد			
۳۳	۳۱	۳	هزار عالم از رنگ	کارگاه تجربی آموزش انفورماتیک	عین القضات همدانی	نصرت الله مسلمیان			
۳۴	۳۳	۴	امیدهای در انتظار	جزوات نمایشگاهی سواد کامپیوتری	داریوش شایگان	ناصر اویسی			
۳۵	۳۴	۵	مراقبت از سایه ها	کتابهای تالیفی و ترجمه ای سرمایه های فکری ۲۰ سال پژوهش آموزش پیش دانشگاهی رایانه	الینا نریمان	ابوالحسن صدیقی			
تعریف شده					نشر شده در وبگاه انجمن انفورماتیک ایران- ۱۴۰۵ تیر ماه ۱۰ از ۳۵				

به پیوست پی.دی.اف کتابها از جمله وی کن